



نقش تقی زاده در تبدیل گاه‌شماری ایران از قمری به شمسی

در ۲۱ صفر ۱۳۲۹ هجری قمری [یکم اسفند ۱۲۸۹ شمسی]، «قانون محاسبات عمومی» به تصویب مجلس شورای ملی رسید. ماده‌ی ۳ این قانون چنین مقرر می‌دارد: «مقیاس زمان بعد از این در محاسبات دولتی، سال‌های شمسی و ماه‌های شمسی (بروج) خواهد بود.»

هرچند که می‌توان گفت تصویب این قانون، نخستین گام برای رسمیت‌دادن گاه‌شماری ایرانی به جای گاه‌شماری قمری بوده است، اما همین قانون نیز - مانند فرمان مشروطیت، قانون اساسی و متمم قانون اساسی و همه‌ی قوانینی که تا پایان سال ۱۳۰۳ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده - به تاریخ هجری قمری تاریخ‌گذاری شده است. بنابراین باید پذیرفت که رسمیت‌یافتن گاه‌شماری ایرانی به جای گاه‌شماری هجری قمری، با قانون «مصوب شب ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ شمسی» تحقق یافته است.

تقی‌زاده که صاحب تألیفات ارزنده‌ی در زمینه‌ی گاه‌شماری‌ست، از همان هنگام که در برلن روزنامه‌ی «کاوه» را انتشار می‌داد، دغدغه‌ی خاطر خود را درباره‌ی سه موضوع عنوان کرده است:

۱- لزوم تبدیل ماه‌شماری برجی به ماه‌شماری ایرانی:
«... جای نهایت افسوس است که امروز در ایران با آن که در امورات رسمی و دولتی و تجارتنی (یعنی امور غیرمذهبی) محتاج به یک حساب سال شمسی هستید، ترتیب ماه‌های ملی ایرانی را استعمال نکرده و تابع ترتیب بروج آسمانی حمل و ثور که بلژیکی‌ها آن را به واسطه‌ی جهالت‌شان به عادات و آداب ملی و تاریخی ایران در دوایر دولتی معمول کردند، می‌شوند [...]». (شماره‌های ۵ و ۶، سال اول، ۱۸ آوریل ۱۹۱۶ [۲۹ فروردین ۱۲۹۵]، ص ۳)

۲- لزوم منسوخ‌شدن سال‌شماری دوازده حیوانی:
یکی از صدها علایم این فقره، ولی در واقع یکی از عجیب‌ترین آنها، اتخاذ تقویم یا ترتیب سال‌شماری مغولی‌ست در ایران که نه تنها در تقویم‌های قدیمی برای استنباط احکام هر سال از «خوی یک جانور» ثبت می‌شود، بلکه دولت ایران و ادارات رسمی (جانشینان کیان)، تمام حساب و تاریخ خود را با آن ترتیب «خطا و ایغور» مجری می‌دارند و نوشته‌جات رسمی پُر است از سال خوک و سگ و مار و بوزینه. چون این تاریخ خطا و ایغور و حساب غریب و اسامی عجیب آن را در سال‌شماری با ترتیب عجیب دیگر ماه‌شماری برجی که بدبختانه اخیراً در ایران رایج شده به هم ترکیب کنید، یک معجون بی‌مزه‌ی عجیب و مخالف ذوق و مضحکی حاصل می‌شود. [...]». (شماره‌ی ۷، سال دوم، دوره‌ی جدید، ۷ ژوئیه ۱۹۲۱ [۱۶ تیر ۱۳۰۰]، ص ۳)

□ تبدیل گاه‌شماری رسمی ایران از هجری قمری به هجری شمسی، که از فروردین ۱۳۰۴ شمسی به موجب قانون به اجرا درآمده، به ابتکار و پایمردی سیدحسن تقی‌زاده تحقق یافته است. برای روشن شدن موضوع، توضیح کوتاهی درباره‌ی سوابق امر، لازم به نظر می‌رسد:

پس از اسلام، با آن که گاه‌شماری اسلامی هجری قمری به صورت گاه‌شماری رسمی ایران در آمد، گاه‌شماری ایرانی (یزدگردی و سپس جلالی) هم‌چنان برای امور عرفی در رواج ماند. چون گاه‌شماری قمری - به علت سیاربودن ماه‌های قمری نسبت به فصل‌های سال - برای وصول خراج مناسب نبود، حتا خلفای اسلامی به ناگزیر برای این منظور گاه‌شماری شمسی ایرانی را به کار می‌بردند. در گاه‌شماری یزدگردی - که تاکنون نیز نزد زرتشتیان رایج است - نام ماه‌ها همان نام‌های ایرانی (فروردین، اردیبهشت، ...) است. در گاه‌شماری جلالی نیز، نام ماه‌ها به همین صورت محفوظ ماند. خیام که خود از پایه‌گذاران گاه‌شماری جلالی بوده است، در یک رباعی چنین می‌گوید: «هنگام صبح ای صنم فرخ پی / برساز ترانه‌ی و پیش‌آور می / کافکند به خاک صد هزاران جم و کی / این آمدن تیر مه و رفتن دی». سعدی نیز که دو قرن پس از تأسیس گاه‌شماری جلالی می‌زیسته، در اشعار خود بارها نام ایرانی ماه‌ها را به کار برده و بویژه با این بیت در دیباچه‌ی «گلستان»، نه تنها دومین ماه ایرانی را «اردیبهشت» نامیده، بلکه انتساب آن را به گاه‌شماری جلالی تصریح کرده است: «اول اردیبهشت ماه جلالی / بلبل گویند بر منابر قضبان».

به درستی روشن نیست که از چه زمانی ماه‌شماری برجی (حمل، ثور و...) به گاه‌شماری ایرانی راه یافته است. روایات تاریخی در این زمینه بسیار متفاوت و ناهمخوان است.

پس از حمله‌ی مغول، گاه‌شماری مغولی «ختا و اویغور» نیز سربر گاه‌شماری ایرانی شد، اما اثری که این گاه‌شماری به جای گذاشت، سال‌شماری دوازده حیوانی بود که به موجب آن هر سال به نام یک حیوان مشخص می‌شد، مثلاً «سنه‌ی ۱۳۸۳ شمسی پیچی بیل» (یعنی سال «بوزینه»)

در دوران قاجار، پس از تأسیس سازمان‌های نوین اداری، بویژه پس از سپرده‌شدن امور گمرک به دست مستشاران بلژیکی، برای محاسبات اداری و پرداخت حقوق کارکنان دولت، ماه‌شماری برجی به کار گرفته شد. اصطلاح «اول برج» و «آخر برج» نیز که هنوز ورد زبان کارمندان دولت است، ظاهراً از همان زمان باب شده است.

۳- لزوم تبدیل گاه‌شماری رسمی کشور از هجری قمری

به هجری شمسی: «یک پیشنهاد بی‌غرضانه: [...] در این زمان که ایران پادشاه جوان و صدراعظم‌های جوان دارد که دل‌شان طبعاً باید باشور نام‌جویی و سرفرازی و امید آینده و هوس تحصیل افتخار پُر باشد، نومید نیستم که تاریخ و تقویم جدید شمسی قبول و دایر شده و «بماند سال‌ها این نظم و ترتیب». این را هم باید عرض کنم که این فقره یک خدمتی‌ست به دین اسلام، زیرا که لابد و بلاشک حساب سال قمری عربی [...] از میان خواهد رفت، یعنی از استعمال در امور عرفی برافاده و مخصوص امور مذهبی خواهد شد و اگر ما پیش از وقت یک ترتیب سال شمسی مناسب ذوق ملی ایران نگیریم که مبدأ آن از هجرت نبوی حساب شود، ممکن است ترتیب تاریخ میلادی و تقویم فرنگی رایج شود و یک رکنی از یادگارهای اسلامی از میان برود. اینک پیشنهاد: نوروز چنان‌که فعلاً مرسوم است در اول حمل و مبدأ سال عرفی قرار داده شود و تاریخ هجری شمسی (که امسال سنه ۱۳۰۰ از آن تاریخ است)، به موجب قانون در تمام مملکت به‌جای هجری قمری معمول دارند. علاوه بر این‌ها، اسامی ماه‌های ایرانی، یعنی فروردین، اردیبهشت تا اسفند ارمد را به‌جای عقرب و خرچنگ آسمانی [...] استعمال کنند [...]». (شماره ۴، سال دوم، دوره جدید، دهم آوریل ۱۹۲۱ [۲۱ فروردین ۱۳۰۰]، ص ۹)

تقی‌زاده پس از تعطیل روزنامه‌ی کاوه و بازگشت به ایران، در سال ۱۳۰۳ شمسی به نمایندگی از مردم تبریز وارد مجلس شورای ملی می‌شود. در این جاست که در «کمیسیون معارف» نظرات خود درباره‌ی تبدیل گاه‌شماری را دنبال می‌کند و کار را به تصویب قانون مربوط به رسمیت گاه‌شماری هجری شمسی می‌رساند.

این قانون که در «شب ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ شمسی» به تصویب مجلس شورای ملی رسیده (و نخستین قانونی‌ست که در تاریخ قانون‌گذاری ایران به تاریخ شمسی تاریخ‌گذاری شده است)، عیناً همان نکات سه‌گانه‌ی موردنظر تقی‌زاده را - که چند سال پیش از آن در روزنامه‌ی کاوه مطرح کرده بود - در بر دارد. این همانندی چنان است که اگر گفته شود طرح نخستین این قانون، انشای تقی‌زاده بوده است، سخنی به‌گزار نخواهد بود.

قانون تبدیل بروج به ماه‌های فارسی از نوروز ۱۳۰۴ شمسی

ماده‌ی اول - مجلس شورای ملی تصویب می‌نماید که از نوروز ۱۳۰۴، تاریخ رسمی سالیانه‌ی مملکت به ترتیب ذیل معمول گردد و دولت مکلف است که در تمام دوائر دولتی اجرا نماید:

الف - مبدأ تاریخ: سال هجرت حضرت خاتم‌النبیین محمد بن عبدالله (صلوات‌الله علیه) از مکه‌ی معظمه به مدینه‌ی طیبه.

ب - آغاز سال: روز اول بهار.

ج - سال: کماکان شمسی حقیقی.

د - اسامی و عده‌ی ایام ماه‌ها:

۱- فروردین ۳۱ روز؛ ۲- اردیبهشت ۳۱ روز؛ ۳- خرداد ۳۱ روز؛ ۴- تیر ۳۱ روز؛ ۵- مرداد ۳۱ روز؛ ۶- شهریور ۳۱ روز؛ ۷- مهر ۳۰ روز؛ ۸- آبان ۳۰ روز؛ ۹- آذر ۳۰ روز؛ ۱۰- دی ۳۰ روز؛ ۱۱- بهمن ۳۰ روز؛ ۱۲- اسفند ۲۹ روز.

تبصره - در سنین کبیسه، اسفند ۳۰ روز خواهد بود.

ماده‌ی دوم - ترتیب سال‌شماری ختا و اویغور که در تقویم‌های

سابق معمول بوده، از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود.

این قانون که مشتمل بر دو ماده است، در جلسه‌ی شب یازدهم فروردین یک‌هزار و سیصد و چهار شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رسمیت‌دادن گاه‌شماری شمسی ایرانی به‌جای گاه‌شماری اسلامی هجری قمری، آن هم پس از سیزده قرن، کار چندان آسانی نمی‌توانست بوده باشد. اما طرح این قانون چنان هوشمندانه تهیه شده بود که هیچ صدای مخالفی برنخاست. حتا در مجلس شورای ملی که چند تن روحانی نیز حضور داشتند، هیچ‌کس به تبدیل گاه‌شماری از هجری قمری به هجری شمسی اعتراض نکرد.

در جلسه‌ی علنی مجلس که پیش‌نویس این قانون برای تصویب مطرح شد، و مدافع اصلی آن تقی‌زاده بود، دو سه تن از نمایندگان بی‌آن‌که به اصل تبدیل گاه‌شماری معترض باشند، پیشنهادهایی برای حفظ ماه‌شماری برجی یا تعداد ایام ماه‌ها ارائه دادند که مورد توجه قرار نگرفت و به تصویب نرسید. (روزنامه‌ی رسمی کشور، صورت مذاکرات مجلس، دوره‌ی پنجم، صص ۱۰۵۶-۱۰۶۱)

در پایان یادآوری این نکته را لازم می‌دانم که واژگان «گاهنامه» و «گاه‌شماری» نخستین‌بار توسط تقی‌زاده به کار رفته، و این نیز یادگار ارزنده‌ی دیگری‌ست که از آن شادروان به‌جای مانده است. ■

وَلِتَعْلَمَ عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْأَجْسَابِ

گاه‌شماری

د

ایران قدیم

تألیف

حسن تقی‌زاده

باهتمام کتابخانه طهران

۱۳۱۶

هجری شمسی

حق طبع محفوظ است
در چاپخانه مجلس طبع شد